

تأثیر اشعار میرزا علی اکبر صابر بر مشروطه

یوسف صمدزاده اخیجهانی

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی.

چکیده

میرزا علی اکبر صابر یکی از نویسندگان قفقازی است که به دلیل پیوندهای قوی فرهنگی و قومی مردم این منطقه با ایرانیان، در اشعار خود به تحولات انقلاب مشروطیت پرداخته و تأثیر بسزایی در تحولات ایران داشته است. در این دوره میرزا علی اکبر صابر در اشعار خود به حوادث انقلاب مشروطه در ایران اشاره می کند و به ظلم محمدعلی شاه حمله می کند و از آزادی خواهان و مجاهدان مشروطه حمایت می کند. وی همچنین خواستار مشارکت فعال زنان در جامعه شد و تلاش کرد تا آنان را نسبت به حقوق اجتماعی خود آگاه سازد.

واژه‌های کلیدی: شعر، علی اکبر صابر، مشروطه، آزادی.

مقدمه

مظفرالدین شاه قاجار در چهارده مرداد ماه هزار دویست و هشتادوپنج، در اثر جنبش مشروطه در ایران که ماحصل افکار، اندیشه ها و مطالباتی بود که متاثر از عوامل داخلی و خارجی تکوین یافته بود، مجبور به امضای فرمان مشروطه شد. از نخستین جنبش های اجتماعی ایران، مشروطه است که منجر به شکل گیری مفاهیم نظری نوینی شد. بر همین اساس در ادبیات، شعر، اخذ مضامین شعری و به طور عام به خدمت در آوردن شعر به مثابه ابزاری در راستای نیل به مقاصد سیاسی و اجتماعی که مهم ترین ویژگی ادبیات مشروطه است، تغییراتی ایجاد شد که خود ماحصل تحولاتی است که در خارج از مرزهای ما انجام گرفت. آنچه در اینجا قابل توجه است این که حمایت قفقازی ها از مشروطه ایرانی است و میرزا علی اکبر صابر در میان آن ها نقش موثری دارد. میزان تاثیرگذاری صابر به اندازه ای است که در اولین ماه های جنبش مشروطه محمدعلی میرزا، پخش روزنامه ملانصرالدین که اشعار صابر در آن منتشر می شد را ممنوع کرد. صابر به ترکی شعر می گفت و شاید به همین دلیل است که بزرگترین شاعران فارسی گوی طنز مشروطه نیز کسانی بودند که زبان ترکی را می دانستند و از اشعار هوپ بهره برده بودند.

صابر با بهره گیری از سبک خاص خود، ادبیات را در خدمت اصلاح جامعه و انعکاس آلام توده مردم قرار داد. او تمام طبقات اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد و علاوه بر این که رنج های طبقه زحمت کش و خودکامگی طبقه حاکم را به تصویر می کشد، نادانی و بی خبری توده مردم را نیز هدف قرار داده و به مبارزه با آن بر می خیزد. توجه صابر به گروه های به حاشیه رانده شده مانند زنان و ستم دیدگان اجتماعی است که در اشعار متعددی به زوایای گوناگون مسائل آن ها پرداخته است.

پیشینه تحقیق

رضازاده ملک در سال ۱۳۵۷ کتابی با عنوان «زبان برای انقلاب: هوپ هوپ» و زمانوف در سال ۱۳۵۸ در اثر خود به بررسی زندگی و آثار صابر پرداخته اند (ملک زاده، ۱۳۵۷).

ادوارد براون در کتاب «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت» در زمینه تأثیرپذیری، شاعران طنز در ایران خصوصاً نسیم شمال از اشعار صابر نیز به صورت گذرا در پی نویس به این موضوع اشاره کرده است (براون، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵). یحیی آرین پور هم در کتاب خود به این موضوع اشاره کرده است؛ او قسمتی از اشعار سید اشرف را اقتباس یا ترجمه آزادی از آثار صابر به حساب آورده و نتیجه گرفته که سید اشرف در واقع ناقل افکار صابر برای فارسی زبانان بوده است و حتی اعتقاد دارد که بیشتر اشعار سید اشرف «صابرانه» است. (پور، ۱۳۵۷، ص ۵).

اقبالی در ۱۳۹۸ در مقاله «بررسی اندیشه های اجتماعی در اشعار میرزا علی اکبر صابر» اندیشه های اجتماعی صابر را در دوران مشروطه بررسی می کند و اشاره می کند که صابر بطن جامعه و شرایط حاکم بر آن را با طنز ویژه خود چنان می شکافد که هیچ چیزی از دید او دور نمی ماند (اقبالی، ۱۳۹۸، ص ۱۱).

دوران کودکی میرزا علی اکبر صابر

میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر) در روز ۳۰ می سال ۱۸۶۲ میلادی در شهر شماخی متولد شد. پدرش بقالی کوچکی داشت و به خاطر اعتقادات مذهبی، می خواست صابر را در قامت یک روحانی ببیند. به همین دلیل در هشت سالگی او را به مکتب فرستاد. صابر تا دوازده سالگی در مکتب بود تا اینکه بعدها در مدرسه دولتی باکو که توسط شاعر مشهور آن دوران، سیدعظیم

شیروانی افتتاح شده بود. شروع به تحصیل علوم جدید کرد. در این مدرسه بود که او به استعداد شاعری اش پی برد و با کمک سیدعظیم، به خواندن و ترجمه اشعار فارسی پرداخت. اما مدتی بعد پدرش او را از ادامه تحصیل منع کرده و وادار به کار در مغازه نمود. پدر صابر او را به خاطر علاقه ای که به درس و شاعری داشت سرزنش کرده و حتی یک بار دفتر اشعارش را پاره می کند. او ابتدا در مکتب خانه های قدیم و سپس در مکتب خانه سیدعظیم شیروانی، که به تدریس بر اساس روش های آموزشی نوین می پرداخت، به تحصیل پرداخت. در این جا دانش آموزان به جای حصیر بر روی نیمکت ها می نشستند و علوم جدید می آموختند و همراه با زبان های فارسی و عربی، دو زبان آذربایجانی و روسی را نیز فرا می گرفتند. زمانی که هشت ساله بود معلم او سیدعظیم شیروانی به استعداد و نبوغ او در شعر پی برد و او را به ادامه کار تشویق و پیش بینی نمود که آینده ای درخشان در انتظار اوست. او در یکی از اشعارش به آینده امیدبخش شاگرد خود اشاره نمود. او از صابر می ساخت تا با صدای بلند شعر بخواند و اشعار شعرای کلاسیک فارسی را به آذربایجانی ترجمه نماید. در مقایسه های انجام شده میان اصل اشعار و ترجمه ها میزان تسلط صابر بر هر دو زبان مبدا و مقصد مشخص است. صابر در سال ۱۸۸۵ به آسیای میانه سفر کرد و از آنجا به ایران آمد. در سال ۱۸۸۷ با دختر یکی از اقوامش ازدواج کرد (نور محمدپور، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

در اوایل قرن بیستم، اشعار صابر به مطبوعات آن زمان راه می یابد. در سال ۱۹۰۳، نخستین شعرش در مجله روس شرقی منتشر می شود و مدتی بعد هم اشعارش را به مجله حیات ارسال می کند. در سال ۱۹۰۶، او روزنامه ملانصرالدین را موافق با عقاید خود می بیند و شاعر فعال و دوست داشتنی این نشریه موفق می شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

بیشتر زندگی میرزا علی اکبر صابر در فقر گذشت در ۱۹۱۰ در باکو در مدارس نفتی درس می داد و در ۱۲۹۰/۱۹۱۱ از بیماری سل در باکو درگذشت (نور محمدپور، ۱۳۹۹، ص ۱۱).

اشعار و مقالات صابر

میرزا علی اکبر صابر (۱۲۹۰-۱۲۴۱) را به حق می توان یکی از بزرگترین شعرای معاصر آذربایجان نامید. صابر نه تنها در تاریخ ادبیات آذربایجان، جایگاهی سترگ دارد، بلکه هم چون میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل روزنامه نگار نامی و مبارز میهن مان، جایگاهی والا را در مبارزات مردم ایران برای آزادی و برابری به خود اختصاص داده است. شعرهای صابر چون پتکی بر سر محمد علی میرزای قاجار و عمله جهل و ظلم و ارتجاع زمان فرود می آمد و فریاد در گلو مانده مردمی بود که به وسیله او در روزنامه های باکو پژواک می یافت. در آن دوران روزنامه ملانصرالدین به ارگان مجاهدین آذربایجان تبدیل شده بود و صابر در این میان با اشعار آتشین خود آتش به دامن استبداد می انداخت (صدر، ۱۳۸۶، ص ۳۱).

صابر نخستین اشعار خود را به صورت نوحه و مرثیه سرود و پس از آن سروده هایی فرهنگی به نظم درآورد و سرانجام در سال ۱۲۸۴/۱۹۰۵ به بعد به جستارهای سیاسی پرداخت.

سروده های طنز صابر با نام های مستعاری چون «هوپ هوپ»؛ «آغلار گوله یین» «متبسم گریان» و «بونصر شیبانی» چاپ می شد. در جریان جنبش مشروطه در ایران آثار و اشعار او در ایران خوانده می شد و بر نویسندگان و روشنفکران ایران اثر زیادی داشت (صدر، پیشین، ص ۳).

صابر به ترکی شعر می گفت و شاید به همین دلیل است که بزرگترین شاعران فارسی گوی طنز مشروطه نیز کسانی بودند که زبان ترکی را می دانستند و از گنجینه اشعار «هوپ هوپ» بهره برده بودند.

اشعار وی در دیوان «هوپ هوپ» نام جمع آوری شده است هوپ هوپ نامه معروفترین اثر اوست که به همت یکی از دوستانش منتشر شده است. اشعار و مقالات صابر در مطبوعاتی همچون «فیوضات»؛ «رهبر»؛ «الفت»؛ «حیات»؛ «گوش»؛ «

دبستان»؛ «زنبور»؛ «ارشاد»؛ «حقیقت» و «ینی حقیقت» منتشر می شد. اما نقطه عطف فعالیت های ادبی صابر را می توان همکاری او با روزنامه ملانصرالدین و میرزا جلیل محمدقلی زاده، ناشر این روزنامه دانست. روزنامه ای طنز که در طول سال های ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ در تفلیس، تبریز و باکو به زبان ترکی آذربایجانی منتشر می شد. فعالیت روزنامه ملانصرالدین چند ماه پیش از صدور فرمان مشروطیت در تفلیس آغاز شد و نقش برجسته ای در روشنگری افکار عمومی داشت. از میان نشریات ایرانی این دوره می توان از صور اسرافیل در تهران، نسیم شمال در رشت، آذربایجان در تبریز و آموزگار نام برد (بوشهری، ۱۳۹۴، ص ۴۴).

آن چه که در این نوشتار مورد توجه است، اینکه با تاسیس مجله فکاهی ملانصرالدین در سال ۱۹۰۶ محیط مساعدی برای رشد سریع استعداد صابر ایجاد گردید، به طوری که امروز ملانصرالدین بدون صابر و صابر بدون ملانصرالدین قابل تصور نیست. در همان نخستین سال ها پیروان سبک صابر از آذربایجان و قفقاز گذشتند و آسیای میانه، ایران و ترکیه را در بر گرفتند. مکتب جدیدی در شعر معاصر به وجود آمد که «مکتب صابر» نامیده شد.

تأثیر اشعار میرزا علی اکبر صابر بر مشروطه

نهضت مشروطه نقطه عطفی در تاریخ طنز کشور ایران به شمار می آید. در این دوره توجه به نقش اجتماعی طنز، در بیان اندیشه تجددخواهی به صورت محوری تر مطرح گردید. اوج این حرکت را در شعر شاعری چون سید اشرفالدین (نسیم شمال) می توان مشاهده کرد که در بسیاری از موارد از شعر صابر تأثیر پذیرفته بود و حتی برخی از اشعار او ترجمه شعرهای صابر هستند. نسیم شمال مانند صابر از زبان طنز به عنوان حربهای برای انتقاد از معایب و مفساد سیاسی اجتماعی بهره می برد. استفاده از زبان عامیانه در شعر صابر برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی در تهییج افکار عامه مردم و افزایش مخاطب نقش به سزایی داشت. صابر به موضوعات مربوط به مشروطه خواهان و آزادی خواهان توجه جدی می کرد؛ به طوری که در هر شماره، موضوعاتی مانند اخبار انقلاب مشروطه و مجلس، رویدادهای تبریز و هجو شخصیت های ضد انقلاب را با اسلوب طنز انتقادی منتشر می کرد. یکی از موضوعات اساسی طنز صابر در سال های ۵ تا ۱۹۱۱ م انقلاب ایران بود. او تا سال ۱۹۱۱ م. درباره انقلاب ایران به شکلی مستقیم، نزدیک به بیست و چهار شعر سرود (شغیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

صابر در اشعار خود به فقر طبقات محروم، فرهنگ ارتجاعی حاکم بر جامعه، زندگی رقت بار زنان و کودکان، خیانت های سیاست پیشگان، تحجر سنت ها، پولپرستی اغنیا، سختی مبارزات فرزنانگان، مشکلات انتشار روزنامه و... می پردازد و صمیمانه و به دور از هر گونه لاپوشی و رعایت، تشنه رسوایی غارتگران خلق را از بام ادبیات تاریخ فرو می اندازد و شیپور تداوم جنگ طبقاتی را هرچه

رساتر می دمد و از توده مردم مایه می گیرد، شعرش ادعانه ای می شود علیه استعمارگران و استثمارپیشگان و بهره کشان که به دادگاه تاریخ عرضه می گردد و در مقام وجدان خلق، بر فراز برج ادبیات انقلابی زمان خود می نشیند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۳۹).

قیام علیه استبداد و درخواست آزادی های اجتماعی و قانون مدنی اندکی پیشتر از ایران، منطقه قفقاز و آذربایجان را با طنزپردازی چون صابر و مجله ای مانند ملا نصرالدین به تلاطم واداشته بود. مطالب طنز اشخاصی چون صابر، به شدت مورد استقبال جامعه روشنفکری، نویسندگان و عامه مردم واقع شده بود. صابر مسائل ادبی را براساس خواستها و نیازهای مردم با زبانی طنز توصیف و تشریح می کند.

طنز صابر هشدار و زنگ خطری است که نسبت به شرایط اجتماعی به صدا در می آید. در واقع، صابر در اشعار طنز خود، از فاصله ها سخن می گوید. از این رو، علیرغم ظاهر ساده و تمسخرآمیز اشعار طنز او، باید آنها را جدی گرفت و به بررسی مضامین و ابعاد هنری و ادبی آنها پرداخت، چرا که طنز صابر قصد ترمیم شکاف اجتماعی و کاهش بحران را دارد؛ آن هم به بهترین شکل و در صلح جویانه ترین وجه ممکن. اگر جامعه درک کند که طنز، خشونت و خشم نهفته است و به آن به دیده احترامبندد؛ در این صورت هشدار طنز برای جامعه ثمربخش خواهد بود و چه بسا با بازسازی نقش طبقات اجتماعی، فاصله ها کاهش یابد و پل ارتباطی گروه ها و طبقات اجتماعی و خصوصاً گروه های قدرت، با مردم دوباره احیا و برقرار شود (نظری، ۱۳۸۹، ص ۴).

صابر در مضامینی چون افشای استعمارگران، دعوت مردم به مبارزه برای آزادی و مبارزه با شخصیت های منفی و ستمکار، همیشه از احساسات میهن پرستی الهام می گیرد و به انتقاد از محرومیت کامل انسان در جامعه طبقاتی تحت ستم می پردازد. حتی هنگامی که جنبش های دموکراتیک در ایران پا گرفته بود، یکی از هنرمندانی که در آذربایجان و در این موضوع (حمایت از آزادی اجتماعی در ایران) فعالیت کردند، صابر بود که در باب استبداد حاکمان، خودسری اربابان، نفوذ بیگانگان، محرومیت زحمتکش و عقب ماندگی کشور، اشعار متعددی را پدید آورد. به شکلی که می توان گفت تمام مراحل شکل گیری نهضت مشروطه ایران در آثار صابر منعکس است (نورمحمدپور، ۱۳۹۹، ص ۳۷).

طنزنامه های آذربایجان که تحت تأثیر شدید انقلاب ۱۹۰۵ م روسیه، انتشار خود را آغاز کردند، از درخشانترین صفحات تفکرات اجتماعی در نشریات معاصر به شمار می آیند که در پیشرفت مطبوعات و ادبیات در ایران نقش قابل توجهی داشتند. بزرگی از مطبوعات قرن بیستم آذربایجان، دارای وجه های دموکراتیک است. مناسبات بورژوا فئودالی، بی عدالتی اجتماعی، انتقاد از موهومات، نارضایی مردم از نظام موجود، اندیشه های آزادی خواهی، خواسته های مردم برای بهبود شرایط زندگی و...، فکر و اساس مطبوعات دموکراتیک را تشکیل می دهد. نشریات طنز با انعکاس تضادهای اجتماعی قرن بیستم، امیال آزادی خواهی مردم و انتقاد از دنیای کهنه، از اسناد مهم به شمار می آیند.

بسیاری از این روزنامه ها کوشیدند راه و روش روزنامه بسیار معروف ملا نصرالدین را در پیش گیرند. همانطور که قبلاً اشاره شد اشعار و مقالات صابر در مطبوعاتی همچون روزنامه ملا نصرالدین منتشر می شد، روزنامه ملا نصرالدین به معنای واقعی کلمه، آینه مرحله ای تاریخی است که آن را بیداری آسیا نامیده اند. این روزنامه نه تنها در آذربایجان، بلکه در تمام خاورمیانه و خاور نزدیک به عنوان پرچمدار طنز سیاسی علیه استعمار، استبداد، عقب ماندگی اقتصادی و مدنی و ارتجاع شناخته شده بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

نخستین شماره این روزنامه در تفلیس و با موضوعات زیر انتشار یافت:

- ۱) افشای اعمال ضد خلقی حکومت روسیه.
- ۲) انتقاد از شیوه حکومت مطلقه در بین ملل مسلمان خاور نزدیک.
- ۳) مبارزه علیه خرافات راه یافته در دین، تعصبات و جهالت و...
- ۴) مبارزه علیه نژادپرستی از جمله پان ترکسیم و...
- ۵) دفاع و تبلیغ عقیده اتحاد بین الملل و دوستی ملتها.
- ۶) دفاع از حقوق کارگران و دهقانان
- ۷) دفاع از تساوی حقوق زنان.

اشعار این نشریه، سروده صابر، طاهرزاده شیروانی و تعدادی از شعرای مشهور آذربایجان بود و نقاشان توانایی از جمله عظیم عظیم زاده باکویی در ترسیم کاریکاتورها و نقاشی های جالب مجله با آن همکاری می نمودند.

مبارزه با استبداد و شعر صابر

در سال های ۱۹۰۷ تا ۱۹۰۹ م شاعران زیادی در ایران و قفقاز سراغ داریم که درباره نهضت مشروطه شعر سروده اند. در این میان، صابر نیز همراه با آنان در باب آزادی و رهایی مردم زحمتکش و ستمدیده ایران از دست استبداد قاجار و در حمایت از حقوق اجتماعی و مدنی آنها طنزهای آتشین و تندی علیه طبقات اعیان و حکومت مستبد ارائه نمود. صابر در هر شماره از نشریه ملا نصرالدین یک یا دو شعر مربوط به حوادث ایران داشت؛ قدرت و نفوذ این اشعار در میان مردم چنان بود که مانند گلوله توپ آتشی بر بنیاد ارتجاع و بر دولت استبدادی لرزه می افکند (صدر، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

صابر در اشعار خود به ستایش قهرمانان ملی ایران که در برابر استبداد ایستاده اند، می پردازد؛ از جمله آنها می توان به شعر زیر در ستایش ستارخان اشاره نمود:

حال مجذوبیم گوروب، قارء، دیمه دیوانهدر، / نعره شوریده می ظن ایتمه بیر افسانه در، / شاعرم، طبعیم دنی ز، شعر تریم دردانه در، / بهجتیم، عیشیم، سرور یم، وجدیم احرارانهدر، / انجذابیم جرأت مردانه مردانهدر، / آفرینیم همت والای ستارخانه در.

ترجمه:

حال مجذوبم چو میبینی، مگو دیوانه است، / ظن مبر این نعره شوریدهام افسانه است. / شاعرم دریاست طبعم شعر من دردانه است. / بهجتم، عیشم، سرورم و جدم احرارانه است. / جذبه من جرأتی مردانه جانانه است، / آفرین چون همت ستارخان مردانه است.

یکی از چهره های اصلی مستبدی که اعتراض صابر را در اشعارش برمی انگیزاند، محمدعلی شاه است. در تصویرسازی او در این آثار، محمدعلی شاه، شخصیت اصلی استبداد داخلی و ریشه اصلی بی عدالتی اجتماعی ایران نشان داده می شد. از میان صورت های طنز رنگارنگی که صابر به وجود آورده، محمدعلی شاه صورت بسیار دقیقی است که قصد افشای آن را دارد.

در اشعار صابر، محمدعلی شاه یک حاکم حيله گر، دروغگو و جاهل است. صابر در اشعار خود تمام اعمال محمدعلی را یک به یک می شمارد و آشکارا نشان می دهد که سبب اصلی ظلم و فلاکت هایی که به سر مردم ایران آمده، روش حکومت استبدادی او است. شعر «میفروشم» در ظاهر از زبان مستبدی چون محمدعلی شاه بیان می شود که قصد فروش مملکت برای منافع خود را دارد (نظری، ۱۳۸۹، ص ۴۶).

با اخراج محمدعلی شاه دامنه استبداد در ایران از بین نرفت. جلوس احمدمیرزا به تخت شاهی و نایب السلطنه شدن ناصر الملک تغییری در اوضاع ایجاد نمود. مردم ایران امید داشتند با رفتن محمدعلی شاه تغییراتی در نظام استبدادی پدید آید اما این گونه نشد. در واقع یک مستبد کنار رفته و رجال مشابه او و نوکرهای آنها همراه با اعیان و اشراف مرتجع و فئودالهای بزرگ نظیر عین الدوله و کامران میرزا و مخبرالدوله و قوام الدوله جای او را گرفتند. اگرچه در زمان احمدشاه در ظاهر مجلس گشایش یافت و قانون اساسی و مشروطه برقرار شد اما باز هم به جای این که حکومت به دست آزادی خواهان اصیل بیفتد، در اختیار فئودالهای بزرگ قرار گرفت. از این رو هرج و مرج داخلی و ناراضیتی مردم بیشتر شد و حقوق زحمتکشان پایمال گردید (نورمحمدپور، ۱۳۹۹، ص ۷۴).

این نوع وضعیت در صابر یأس و ناامیدی ایجاد کرد که در شعر مشهور خود با عنوان «ایران ز چه ویران گردید» آن را بیان می کند:

آغلادیقجه کیشی غیرتسیز اولورا! / نیجهکی آغلا دی ایران اولدی! / او زمان که، بیزیکوب شاه قاچدی / مرتجعلر دخی پنهان اولدی / پارلمان پارلادی اعضاسی ایله / دیدیک، ایران گنه ایران اولدی... / لیک بیز اشبو تمناده ایکن / باق که ایرانده نه داستان اولدی... / اصل مطلب اونودیلاکن / فرع کاری هامی جویان اولدی / گوردی میدانی آدامدن خالی / هره بیر عزمه شتابان اولدی / هر کس آنجاق باجروب آل دی لقب / داخل زمره ارکان اولدی / پاء...! نه چوخدر بوتون ایرانده لقب / کیمی بگ (اولدی، کیمی خان اولدی. صابر، ۱۹۷۷، ص ۳۱۵).

ترجمه:

مرد از گریه شود بیغیرت! / گریه کرد ایران، ویران گردید / شاه چون کرد از این ملک فرار / مرتج دک شد و پنهان گردید / پارلمان رخشید با اعضایش / گفتم ایران که چه ایران گردید... / ما در این فکر تمنا بودیم / لیکن بنگر که چه داستان گردید... / اصل بنمود فراموش هر کس / فرع را طالب و جویان گردید / هرکسی دید چو میدان خالی / سوی مقصود شتابان گردید / هر کسی لیک که بگرفت لقب / داخل زمره ارکان گردید... / چه زیاد است در ایران القاب! / این یکی بیگ شد، آن خان گردید.

نتیجه گیری

شعرا و نویسندگان از جمله افرادی بودند که تأثیری در انتقال فکر مشروطه و جریان مشروطه داشتند. در این میان میرزا علی اکبر صابر به عنوان شاعری که هوپ هوپ نامه و هفته نامه هایی مانند ملا نصرالدین که طنزی مصور به زبان ترکی که در ربع قرن ۲۰ میلادی تحولات مشروطه ایران را درباره مسائل سیاسی و اجتماعی در مقیاسی نسبتاً وسیع منعکس می کرد. صابر نخستین اشعار خود را ۱۹۰۵ به بعد جستارهای سیاسی پرداخت / بصورت نوحه و مرثیه سرود و سرانجام در سالهای ۱۲۸۴ انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و تأثیر آن در قفقاز باعث این دگرگونی شد و سروده های طنزی چون هوپ هوپ، متبسم گریان و ابونصر شیبانی را به چاپ رساند. صابر در مضامینی چون افشای استعمارگران، دعوت مردم به مبارزه برای آزادی و مبارزه با شخصیت‌های منفی و ستمکار، همیشه از احساسات میهن پرستی الهام می گیرد و به انتقاد از محرومیت کامل انسان در جامعه طبقاتی تحت ستم می پردازد. یکی از چهره های اصلی مستبدی که اعتراض صابر را در اشعارش برمی انگیزاند، محمدعلی شاه است. در تصویرسازی او در این آثار، محمدعلی شاه، شخصیت اصلی استبداد داخلی و ریشه اصلی بی عدالتی اجتماعی ایران نشان داده می شد. در اشعار صابر، محمدعلی شاه یک حاکم حيله گر، دروغگو و جاهل است. صابر در اشعار خود تمام اعمال محمدعلی را یک به یک می شمارد و آشکارا نشان می دهد که سبب اصلی ظلم و فلاکت هایی که به سر مردم ایران آمده، روش حکومت استبدادی او است.

فهرست منابع

- ۱) اقبال آشتیانی. عباس. (۱۳۹۲). تاریخ ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه. تهران: دبیر، چاپ دوم.
- ۲) آرین پور، یحیی. (۱۳۷۲). از صبا تا نیما. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ پنجم.
- ۳) براون، ادوارد. (۱۳۷۹). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطه، ترجمه محمد عباسی، تهران: معرفت.
- ۴) بوشهری، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سبک ادبی میرزا علی اکبر صابر طاهرزاده و اشعار سید اشرف الدین گیلانی، مجله ادبیات پارسی معاصر، سال پنجم، شماره ۲.
- ۵) رضازاده ملک، رحیم. (۱۳۵۷). هوپ هوپ نامه زبان برای انقلاب، بی جا، انتشارات سحر.
- ۶) زمانوف، عباس. (۱۳۵۸). صابر و معاصرین او، ترجمه اسد بهرنگی، تبریز: شمس.
- ۷) شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سلطنت)، تهران، سخن.
- ۸) صدر، رویا. (۱۳۸۶). نسوان مشروطه: چهره زن در طنز مشروطه، خردنامه همشهری، شماره ۲۴.
- ۹) نظری، مجید. (۱۳۸۹). اندیشه دینی در شعر دوره مشروطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۰) نور محمدپور، الناز. (۱۳۹۹). بررسی نقش و جایگاه میرزا علی اکبر صابر در تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی منطقه قفقاز و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان اردبیل، مرکز پیام نور اردبیل.

Abstract

Mirza Ali Akbar Saber is one of the Caucasian writers who, due to the strong cultural and ethnic ties between the people of this region and the Iranians, addressed the developments of the constitutional revolution in his poems and had a significant impact on the developments of Iran. In this period, Mirza Ali Akbar Saber mentions the events of the constitutional revolution in Iran in his poems and attacks the oppression of Muhammad Ali Shah and supports the freedom fighters and the constitutional mujahideen. He also wants the active participation of women in the society.

Keywords: poetry, Ali Akbar Saber, constitution, freedom.
